

جدول ۲: توزیع سالانه دانش آموزان و کادر دبستان دخترانه احسانی دوان

کادر مدرسه							تعداد دانش آموز	سال تحصیلی	
جمع کل کادر مدرسه	خدمتگذار	کادر آموزشی							
		جمع کل کادر آموزشی	زیر دیپلم	دیپلم					
				آموزگار سپاه دانش					
				زن	مرد	زن	مرد		
۴	-	۴	۳	-	-	۱	-	۱۰۴	۱۳۴۲-۴۳
۳	-	۳	۲	-	-	۱	-	۱۲۱	۱۳۴۳-۴۴
۳	-	۳	۲	-	-	۱	-	۱۱۹	۱۳۴۴-۴۵
۲	-	۲	۲	-	-	-	-	۱۱۵	۱۳۴۵-۴۶
۵	۱	۴	-	-	-	-	۴	۱۴۲	۱۳۴۶-۴۷
*	*	*	*	-	-	*	-	*	۱۳۴۷-۴۸
*	*	*	*	-	-	*	-	*	۱۳۴۸-۴۹
۷	۱	۶	-	-	-	-	۶	۱۴۵	۱۳۴۹-۵۰
۶	۱	۵	-	-	-	-	۵	۱۳۴	۱۳۵۰-۵۱
۶	۱	۵	-	-	-	-	۵	۱۳۰	۱۳۵۱-۵۲
*	*	*	*	-	-	*	-	*	۱۳۵۲-۵۳
۵	-	۵	-	-	-	-	۵	۱۲۵	۱۳۵۳-۵۴
۴	-	۴	-	-	-	۴	-	۱۲۲	۱۳۵۴-۵۵
۶	-	۶	-	-	-	۶	-	۱۱۶	۱۳۵۵-۵۶

ادامه جدول صفحه بعد

ادامه جدول ۸-۲

کادر مدرسه							تعداد دانش آموز	سال تحصیلی	
جمع کل کادر مدرسه	خدمتگذار	کادر آموزشی							
		جمع کل کادر آموزشی	زیر دیپلم		دیپلم				
			زن	مرد	آموزگار سپاه دانش				
زن	مرد	زن			مرد				
۶	-	۶	-	-	۶	-	-	۱۰۲	۱۳۵۶-۵۷
۵	-	۵	-	-	۵	-	-	۹۲	۱۳۵۷-۵۸
۷	۱	۶	-	-	-	-	۶	۹۶	۱۳۵۸-۵۹
۷	۱	۶	-	-	-	۵	۱	۱۱۰	۱۳۵۹-۶۰
۸	۱	۷	-	-	-	۶	۱	۸۱	۱۳۶۰-۶۱
۶	-	۶	-	-	-	-	۶	۷۹	۱۳۶۱-۶۲
۶	-	۶	-	-	-	-	۶	۷۴	۱۳۶۲-۶۳
۴	-	۴	-	-	-	-	۴	۶۹	۱۳۶۳-۶۴
۳	-	۳	-	-	-	-	۳	۶۰	۱۳۶۴-۶۵
۴	-	۴	-	-	-	-	۴	۶۷	۱۳۶۵-۶۶

منبع: مستخرج از آمار اجمالی آذرماه داتره آمار اداره آموزش و پرورش شهرستان کازرون.

\* آمار موجود نیست.

با ملاحظه جداول ۸-۳، ۸-۴ و نمودار ۸-۲ چنین نتیجه گیری می شود که در رابطه با دانش آموزان پسر در دوره راهنمایی در سالهای اول یعنی تا سال ۱۳۵۷-۵۶ يك کاهش ۵۰ درصد در میزان دانش آموزان وجود داشته است. سپس، از این سال تا پایان سال تحصیلی ۱۳۶۱-۶۲ میزان دانش آموزان تا ۱۰۰ درصد افزایش پیدا می کند. مقداری از این افزایش در ارتباط با فرزندان مهاجران جنگی بوده است. از آن زمان تا پایان سال تحصیلی ۱۳۶۵-۶۶ میزان

دانش آموزان پسر مدرسه راهنمایی مرتباً کاهش یافته به طوری که نسبت به سال تأسیس، از لحاظ تعداد دانش آموزان ۵۰ درصد افت داشته است. در مدرسه راهنمایی دختران نیز می توان همین روند را مشاهده کرد.

مقایسه بین آمار جداول و نمودار مربوط به دانش آموزان دختر و پسر دوره راهنمایی نشان می دهد که اولاً درصد کاهش بین سال تأسیس دوره راهنمایی و سال تحصیلی ۶۶-۱۳۶۵ برای هر دو جنس يك اندازه (۵۰ درصد) بوده است. ثانیاً، سال تحصیلی ۶۳-۱۳۶۲ نقطه شروع کاهش شدید برای هر دو جنس است. ثالثاً در سالهای تحصیلی ۵۵-۱۳۵۴، ۵۷-۱۳۵۶ و ۶۴-۱۳۶۳ تعداد دختران در دوره راهنمایی بیشتر از تعداد پسران بوده است. این پدیده حاصل میزان بالای ترك تحصیل و مهاجرت پسران از روستای دوان است.

بررسی کادر آموزشی مدارس راهنمایی دوان نشان می دهد که تا سال تحصیلی ۶۲-۱۳۶۱ همیشه سطح تحصیلات دبیران، فوق دیپلم و حتی در يك مورد لیسانس بوده است. (ر - ك جدول ۵-۸) اما از سال تحصیلی ۶۳-۱۳۶۲ مدرسه راهنمایی حضرت مریم دیر فوق دیپلم ندارد و کلیه دبیران به استثنای يك نفر لیسانس بقیه همه دیپلم هستند. (ر - ك جدول ۶-۸) و از همین سال مدرسه راهنمایی شهید اکبرزاده قسمت اعظم دبیرانش دارای مدرک دیپلم هستند.

### ۳- کودکستان فوبنیاد دوان

گفتیم که سابق بر این مکتبخانه یکی از کارکردهایش در زمان تأسیس نظام آموزشی جدید، آماده کردن کودکان برای مدرسه بود. با تعطیل شدن مکتبخانه بانو علامه زاده و افزایش کودکان متقاضی برای باسواد شدن، این بار همچون گذشته دوانی ها خود را از قافله تغییرات عقب ندیده و اقدام به تأسیس يك کودکستان در سال تحصیلی ۵۷-۱۳۵۶ نمودند. کودکستان مزبور در سال اول با ۳۵ شاگرد و ۳ مربی کودک آغاز به کار کرد و در سال بعد تنها ۳ نفر از شاگردان کم شد که در مقابل ۲ نفر از کارد آموزشی کودکستان کم شد (ر - ك جدول ۷-۸) متأسفانه کودکستان دوان بعد از دو سال دایر بودن، تعطیل می گردد و کودکان را با دنیایی شوق و علاقه به یادگیری در محیط روستا بدون برنامه رها می کند.

جدول ۸۳: آمار دانش‌آموزان مدرسه راهنمای مختلط اوحدی دوان

جمع			کلاس سوم		کلاس دوم		کلاس اول		سال تحصیلی
کل	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	
۹۸	۶۲	۳۶	۲۱	۶	۱۸	۱۶	۲۳	۱۴	۱۳۵۳.۵۴
۸۶	۴۰	۴۶	۱۸	۱۶	۱۰	۱۴	۱۲	۱۶	۱۳۵۴.۵۵
۸۴	۴۲	۴۲	۱۸	۱۵	۱۲	۱۴	۱۲	۱۳	۱۳۵۵.۵۶
۶۷	۳۱	۳۶	۷	۱۰	۷	۱۰	۱۷	۱۶	۱۳۵۶.۵۷
۸۲	۴۴	۳۸	۷	۱۰	۱۹	۱۱	۱۸	۱۷	۱۳۵۷.۵۸
۹۱	۵۵	۳۶	۱۲	۱۱	۱۹	۱۲	۲۴	۱۳	۱۳۵۸.۵۹
۷۸	۴۷	۳۱	۱۱	۹	۲۳	۱۲	۱۳	۱۰	۱۳۵۹.۶۰
۸۶	۵۲	۳۴	۱۳	۶	۱۳	۱۰	۲۶	۱۸	۱۳۶۰.۶۱

منبع: مستخرج از دفتر سازمان مدارس اداره آموزش و پرورش شهرستان کازرون.

جدول ۸۴: آمار دانش‌آموزان مدارس راهنمایی دخترانه حضرت مریم و پسرانه شهید اکبرزاده دوان.

جمع کل دانش‌آموزان			کلاس سوم		کلاس دوم		کلاس اول		سال تحصیلی
دوره	شهید	حضرت	شهید	حضرت	شهید	حضرت	شهید	حضرت	
راهنمایی	اکبرزاده	مریم	اکبرزاده	مریم	اکبرزاده	مریم	اکبرزاده	مریم	
۹۸	۶۰	۳۸	۱۴	۱۳	۲۰	۱۳	۲۶	۱۲	۱۳۶۱.۶۲
۷۴	۳۸	۳۶	۱۰	۹	۱۶	۱۷	۱۲	۱۰	۱۳۶۲.۶۳
۶۱	۳۰	۳۱	۱۲	۹	۱۳	۱۰	۵	۱۲	۱۳۶۳.۶۴
۶۴	۳۶	۲۸	۱۵	۹	۴	۱۰	۱۷	۹	۱۳۶۴.۶۵
۴۹	۳۲	۱۷	۱۱	-	-	۸	۲۱	۹	۱۳۶۵.۶۶

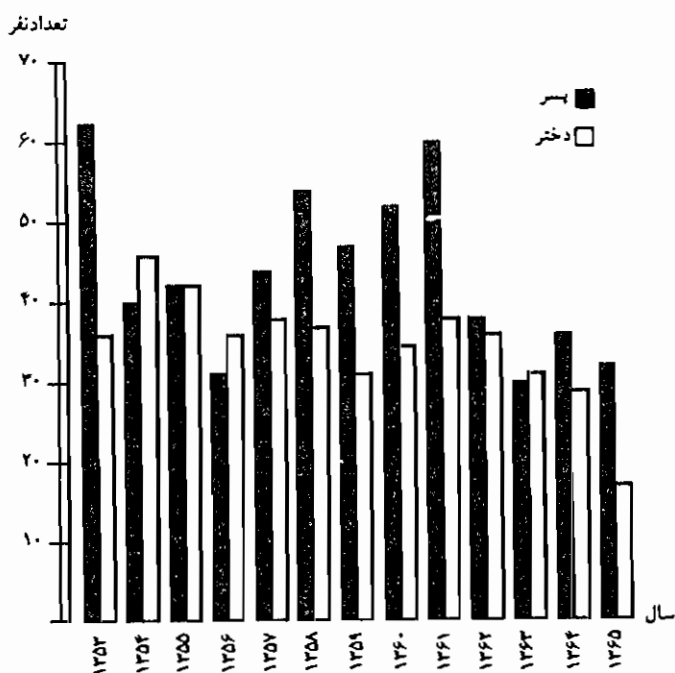
منبع: مستخرج از دفتر سازمان مدارس اداره آموزش و پرورش شهرستان کازرون.

جدول ۸-۵: وضعیت کادر آموزشی مدرسه راهنمایی مختلط اوحدی دوان

سال تحصیلی	تعداد دبیر		مدرک تحصیلی			محل تولد			محل سکونت		نوع استخدام
	مرد	زن	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	دوان	کازرون	خارج دوان	دوان	کازرون	
۱۳۵۶-۵۷	۵	-	۱	۴	-	-	۴	۱	-	۵	۵
۱۳۵۷-۵۸	۶	-	۱	۵	-	-	۶	-	-	۶	۶
۱۳۵۸-۵۹	۶	۱	-	۷	-	۱	۶	-	-	۷	۷
۱۳۵۹-۶۰	۵	۱	۱	۵	-	۱	۵	-	-	۶	۵
۱۳۶۰-۶۱	۷	۲	۲	۶	۱	۱	۵	۳	۳	۶	۹

منبع: مستخرج از دفتر سازمان مدارس اداره آموزش و پرورش شهرستان کازرون.

\* آمار برای سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۵ موجود نیست.



نمودار ۸-۲: مقایسه روند تغییرات در تعداد دانش آموزان دختر و پسر دوره راهنمایی مدارس دوان از ابتدای تأسیس تا سال ۱۳۶۵

جدول ۸۶: وضعیت کادر آموزشی مدارس راهنمایی پسرانه شهید اکبرزاده و دخترانه حضرت مریم دوان

سال تحصیلی مدرسه	تعداد دبیر		مدرک تحصیلی			محل تولد		محل سکونت		نوع استخدام	
	مرد	زن	دیپلم	فوق لیسانس	دوان	کازرون	نیراز دوان و کازرون	دوان	کازرون	دائمی	حق التدریس
۱۳۶۱-۶۲ شهید اکبرزاده	۷	-	۲	۴	۱	-	۳	۲	۵	۵	۲
حضرت مریم	-	۵	-	۵	-	-	۲	-	۵	۱	۴
۱۳۶۲-۶۳ شهید اکبرزاده	۸	-	۳	۴	۱	-	۲	۱	۷	۷	۱
حضرت مریم	۱	۵	۵	-	۱	-	۱	۱	۵	۱	۵
۱۳۶۳-۶۴ شهید اکبرزاده	۷	-	۲	۴	۱	-	۱	۱	۶	۷	-
حضرت مریم	-	۶	۶	-	-	-	-	-	۶	۱	۵
۱۳۶۴-۶۵ شهید اکبرزاده	۶	-	۲	۳	۱	-	۱	۱	۵	۶	-
حضرت مریم	۱	۵	۵	-	۱	-	۱	۱	۵	۱	۵
۱۳۶۵-۶۶ شهید اکبرزاده	۴	-	۲	۱	۱	-	۳	۱	۳	۴	-
حضرت مریم	-	۴	۴	-	-	-	۲	۱	۴	۱	۳

منبع: مستخرج از دفتر سازمان مدارس اداره آموزش و پرورش شهرستان کازرون.

جدول ۸۷: توزیع شاگردان و مربیان کودکستان نوینباد دوان

سال تحصیلی	شاگرد پسر	شاگرد دختر	جمع شاگردان	مربی کودک	خدمتگذار	جمع کادر کودکستان
۱۳۵۶-۵۷	۱۹	۱۶	۳۵	۳	۱	۴
۱۳۵۷-۵۸	۱۷	۱۵	۳۲	۱	۱	۲

منبع: مستخرج از آمار اجمالی آذر ماه اداره آموزش و پرورش کازرون.

۴ - تأسیس دبیرستان

با گذشت چند سالی از تأسیس دوره راهنمایی و افزایش نسبی متقاضیان دبیرستان و مشکل رفت و آمد این شاگردان به کازرون برای ادامه تحصیل، دوانی‌ها در سال ۱۳۵۶ تقاضای تأسیس دبیرستان را نمودند که مورد توافق اداره آموزش و پرورش کازرون واقع گردید و برای سال

تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ يك باب دبیرستان يك كلاس (ابتدا فقط سال اول رشته علوم انسانی) تأسیس گردید. دبیرستان مزبور در همان سال به صورت مختلط با ۱۴ دانش آموز پسر و ۱۶ دانش آموز دختر شروع به کار نمود.

از لحاظ کادر آموزشی دارای ۵ دبیر مرد بود که جملگی دارای مدرک فوق دیپلم بوده‌اند. با وجودی که تمام دبیران ساکن کازرون بودند، سؤالی که پیش می‌آید این است که چرا دبیر لیسانس به دوان فرستاده نمی‌شد. بدون شك يك چنین برخوردی با يك روستا روی سطح کارآیی مدرسه و سواد دانش آموزان اثر گذاشته و حاصل آن تعطیل شدن دبیرستان بعد از يك سال است.

#### ۵- تأثیر آموزش در روستا بر آموزش مهاجران

بدون شك سطح سواد و اهمیت به تعلیم و تربیت در يك روستا (۴۹۴ نفر از جمعیت ساکن در دوان، یعنی ۵۰ درصد جمعیت، در سال ۱۳۶۵ باسواد بوده‌اند)<sup>۱</sup> بر روی تلاش مهاجران از آن روستا جهت کسب دانشهای جدید در محیط شهر بی تأثیر نیست. بر اساس مطالعه انجام شده در ارتباط با يك نمونه ۱۰۰ خانواری مهاجران دوانی نتایج زیر حاصل شده است: اولاً، تعداد بی سواد در میان دوانیان مهاجر بسیار پایین است (۵ درصد) که این رقم نشانگر سطح بالای باسواد (۹۵ درصد) در میان مهاجران دوانی است و قابل مقایسه با سایر مهاجران از روستاهای دیگر نمی‌باشد. ثانیاً ۱۴ درصد از باسوادان زیر ششم ابتدائی، ۴۲ درصد دارای مدرک ششم ابتدائی، ۱۴ درصد مدرک زیر دیپلم، ۲۲ درصد دارای مدرک دیپلم، يك درصد دارای مدرک فوق دیپلم و نهایتاً دو درصد دارای تحصیلات لیسانس به بالا هستند. ثالثاً از این ارقام بالا، ۵۶ درصدی که دارای مدرک ششم و زیر ششم ابتدایی هستند در خود دوان تحصیل کرده‌اند. همچنین ۳۹ درصد دوانی‌های آمده از دوان در شهرها به ادامه تحصیل پرداخته‌اند که این يك رقم بالایی است. اگر چه ۱۴ درصد در سطح زیر دیپلم باقی مانده‌اند، اما ۲۲ درصد دارای مدرک دیپلم، برای مهاجران از يك روستا سطح بسیار نازلی است. در اینجا باید توجه داشته باشیم که درس خواندن توأم با اشتغال و متأهل بودن بدون شك برای مهاجران کارآسانی برزده است لذا اگر ۱۴ درصد مدرک دبیرستانی زیر دیپلم دارند جای هیچگونه تعجب نیست. رابعاً، ۳ درصد مهاجران توانسته‌اند به

دانشگاه راه بیابند که این رقم قابل مقایسه با بسیاری از شهرهای کوچک با تسهیلات آموزشی بیش از دوان است، چه مهاجران اگر انگیزه و زمینه قبلی نداشته باشند نمی‌توانند این چنین درصد بالایی از باسوادان و تحصیلکرده‌ها را داشته باشند.

تجربه نشان داده است که سطح بالای سواد مهاجران بر سطح تحصیلات فرزندان در شهرها اثر گذاشته و آنها را تشویق به ادامه تحصیل می‌نماید. جدول ۸-۸ توزیع سطح سواد فرزندان نمونه ۱۰۰ خانواری مهاجران دوانی را بر حسب سن و جنس در سال ۱۳۶۵ نشان می‌دهد. آمار موجود در این جدول و مقایسه آن با آمار مهاجران رابطه نزدیکی بین سطح سواد مهاجران دوانی و سطح سواد فرزندان آنها را نشان می‌دهد. همان‌طور که مهاجران از سطح سواد نسبتاً بالایی برخوردار هستند، تمایل در ادامه تحصیل فرزندان دیده می‌شود. اولاً میزان بی‌سوادی در میان فرزندان مهاجران دوانی تنها ۰/۵ درصد است (یعنی تنها ۲ نفر از ۳۴۴ نفر فرزندان بالای ۶ سال مهاجران). از کل جمعیت نمونه فرزندان ۱۰/۵ درصد موفق به دیپلم گرفتن نمی‌شوند و بقیه (۸۹ درصد) در مسیر دیپلم گرفتن قرار دارند. ۳۳ درصد آنها بی‌سوادی که به مدرسه رفته‌اند در سطح دیپلم باقی مانده‌اند و ۲۲ درصد برای تحصیلات دانشگاهی (فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکتری) هستند.

۲۸ درصد خانواده‌های مهاجران دارای فرزندان هستند که یا در دانشگاهها درس می‌خوانند یا فارغ‌التحصیل دانشگاه هستند. از این مهمتر اینکه ۱۳ درصد خانواده‌های دوانی مهاجر بیش از ۵۰ درصد فرزندان دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. از طرف دیگر ۷ درصد خانواده‌ها دارای حداقل یک فرزند با تحصیلات دکتری می‌باشند. این ارقام همگی نشانگر سطح بالای فرهنگی مهاجران دوانی است که به هنگام مهاجرت با خود به شهرها می‌آورند.

#### ۶- مسائل و مشکلات نظام آموزشی جدید در دوان

بررسی نظام آموزش جدید در روستاهای ایران به طور کلی و روستای دوان به طور اخص این سؤال را مطرح می‌کند که چرا بازدهی این نظام دائماً رو به کاهش است. آیا علت این است که نظام آموزشی موجود در سطوح مختلف نتوانسته شرایط لازم برای آماده سازی شاگردان را مهیا کند و در رسالتی که به عهده‌اش گذاشته شده موفق نشده است؟ یا اینکه کلاً خود نظام آموزشی با ساخت اجتماعی - اقتصادی روستاها سازگار نیست و در نتیجه نمی‌تواند دارای کارکرد مثبت



باشد؟ برای روشن شدن مطلب موضوع را در چهار سطح مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### الف - مسائل مربوط به دانش‌آموزان و تعطیل شدن دوره‌ها

یکی از مشکلاتی که روستای دوان با آن مواجه است کاهش دائمی شاگردان در سطوح مختلف و در نتیجه تعطیل دوره‌های تحصیلی است. برای مثال در سال تحصیلی ۱۳۶۴ کلاس دوم راهنمایی پسرانه ۴ نفر شاگرد داشته که در نتیجه تشکیل نمی‌شود و بکلی تعطیل می‌گردد. در همین سال کلاس سوم راهنمایی دخترانه و در سال تحصیلی ۱۳۵۹ دبیرستان دوان نیز منحل می‌گردد.

#### ب - مشکلات کادر مدارس

مشکلات کادر مدارس دوان به دو سطح کلی تقسیم می‌شود یکی مشکلات کادر آموزشی، دیگری مشکلات کادر غیر آموزشی. در رابطه با کادر آموزشی باز مشکل خود به دو بخش تقسیم می‌گردد: اول، مشکلی که روستا در رابطه با کمبود آموزگار و دبیر دارد؛ دوم، مشکلی که در رابطه با حضور معلمان و دبیران در روستا هست. کادر غیر آموزشی شامل مدیر و ناظم و خدمتگزار می‌شود. مدارس دوان اغلب با کمبود این کادر که صرفاً به وظیفه اصلی (اداره مدارس) اشتغال داشته باشند روبرو هستند.

#### ج - کمبودهای تسهیلاتی و مالی

از جمله نیازهایی که در مدارس دوان وجود دارد و برای هر آموزشگاهی ضروری است وجود کتابخانه، آزمایشگاه و امکانات ورزشی است که متأسفانه در هیچیک از مدارس دوان وجود ندارد. مهمتر از اینها تخصیص بودجه‌ای بر اساس برنامه‌ریزی صحیح است که کمتر بدان توجه می‌شود.

آمار و ارقام جدول ۹-۸ نشان می‌دهد که مثلاً در سال تحصیلی ۱۳۶۴ هزینه سرانه عادی تنها به مدرسه راهنمایی تعلق گرفته و دبستانها از این کمک محروم بوده‌اند.

#### د - عدم تناسب آموزش جدید در روستا

آموزش و پرورش را رسالتی جز ساختن انسان اجتماعی مناسب نیست. انسانی که ضمن بدست آوردن کمالات معنوی، قدرت سازندگی در محیط اجتماعی را داشته باشد. برای این منظور باید نظام آموزشی به مقدار زیادی مناسب محیط اجتماعی - اقتصادی باشد. نظام آموزشی

جدول ۸۸: توزیع سطح سواد فرزندان مهاجران دوانی بر حسب سن و جنس در سال ۱۳۶۵

ردیف	جنس	۱-۴ سالگی		۵-۹ سالگی		۱۰-۱۴ سالگی		۱۵-۱۹ سالگی		۲۰-۲۴ سالگی		۲۵-۲۹ سالگی		۳۰-۳۴ سالگی		۳۵-۳۹ سالگی		۴۰-۴۴ سالگی		مجموع کل
		مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
۱	مرد																			۱
۱	زن																			۱
۲	مرد																			۲
۲	زن																			۲
۳	مرد																			۳
۳	زن																			۳
۴	مرد																			۴
۴	زن																			۴
۵	مرد																			۵
۵	زن																			۵
۶	مرد																			۶
۶	زن																			۶
۷	مرد																			۷
۷	زن																			۷
۸	مرد																			۸
۸	زن																			۸
۹	مرد																			۹
۹	زن																			۹
۱۰	مرد																			۱۰
۱۰	زن																			۱۰
۱۱	مرد																			۱۱
۱۱	زن																			۱۱
۱۲	مرد																			۱۲
۱۲	زن																			۱۲
۱۳	مرد																			۱۳
۱۳	زن																			۱۳
۱۴	مرد																			۱۴
۱۴	زن																			۱۴
۱۵	مرد																			۱۵
۱۵	زن																			۱۵
۱۶	مرد																			۱۶
۱۶	زن																			۱۶
۱۷	مرد																			۱۷
۱۷	زن																			۱۷
۱۸	مرد																			۱۸
۱۸	زن																			۱۸
۱۹	مرد																			۱۹
۱۹	زن																			۱۹
۲۰	مرد																			۲۰
۲۰	زن																			۲۰
۲۱	مرد																			۲۱
۲۱	زن																			۲۱
۲۲	مرد																			۲۲
۲۲	زن																			۲۲
۲۳	مرد																			۲۳
۲۳	زن																			۲۳
۲۴	مرد																			۲۴
۲۴	زن																			۲۴
۲۵	مرد																			۲۵
۲۵	زن																			۲۵
۲۶	مرد																			۲۶
۲۶	زن																			۲۶
۲۷	مرد																			۲۷
۲۷	زن																			۲۷
۲۸	مرد																			۲۸
۲۸	زن																			۲۸
۲۹	مرد																			۲۹
۲۹	زن																			۲۹
۳۰	مرد																			۳۰
۳۰	زن																			۳۰
۳۱	مرد																			۳۱
۳۱	زن																			۳۱
۳۲	مرد																			۳۲
۳۲	زن																			۳۲
۳۳	مرد																			۳۳
۳۳	زن																			۳۳

بکار گرفته شده در روستاهای ما چنین رسالتی را ندارد و فرد را هم از معنویات روستا جدا می‌سازد و هم نسبت به محیط زندگی اقتصادی در روستا بیگانه می‌نماید. در نتیجه دانش آموز به مجرد ترك آموزشگاه، یا در روستا می‌ماند و آنچه را که فرا گرفته بکار نمی‌برد و یا چون نیازهایش برطرف نشده است، از روستا مهاجرت کرده و در شهرها، سرگردان در پی زندگی جدیدی می‌گردد.

جدول ۸-۹: هزینه سرانه مدارس دوان و کمک هزینه تحصیلی دانش آموزان بی بضاعت

## مدارس دوان

سال	مدرسه	تعداد شاگرد	هزینه سرانه عادی (به ریال)		هزینه سرانه ورزشی (به ریال)		کمک هزینه تحصیلی (به ریال)	
			کل سرانه عادی	سرانه عادی هر نفر	کل سرانه ورزشی	سرانه ورزشی هر نفر	کل کمک هزینه	نرخ کمک هزینه هر نفر
۱۳۶۳	علامة	۹۱	۲۲۷۵۰	۲۵۰	۱۶۳۸	۱۸	*	*
	احسانی	۶۹	۱۸۵۰۰	۲۶۸	۱۳۳۲	۱۹	*	*
	اکبرزاده	۳۰	۱۶۵۰۰	۵۵۰	۱۲۰۰	۴۰	*	*
۱۳۶۴	علامه	۷۵	*	*	۱۱۲۵	۱۵	*	*
	احسانی	۶۰	*	*	۹۰۰	۱۵	*	*
	اکبرزاده	۳۶	۲۵۲۰۰	۷۰۰	۱۰۸۰	۳۰	*	*
۱۳۶۵	علامة	۶۸	۲۶۱۸۰	۳۸۵	۱۸۳۶	۲۷	۴۴۲۰	۶۵
	احسانی	۶۷	۲۵۷۹۵	۳۸۵	۱۸۰۹	۲۶	۴۳۵۵	۶۵
	اکبرزاده	۳۲	۱۰۸۵۸۰	۳۳۹۳	۴۸۰۶	۱۵۰	۲۰۸۰	۶۵

منبع: مستخرج از دفتر هزینه‌های مدارس اداره آموزش و پرورش شهرستان کازرون.

\* هزینه سرانه عادی و کمک هزینه تحصیلی تعلق نگرفته است.

## نتیجه‌گیری

با تعمق در عملکرد تعلیمات رسمی جدید در دوان و رسالتی که از آن توقع می‌رود، معلوم گردید که این پدیده اجتماعی نیازهای دوانی‌ها را بر آورده نساخته، بلکه مولد ضایعاتی نیز بوده است. برای از بین بردن کاستی‌های آموزشی در روستاها به دو طریق می‌توان عمل کرد. یا کل

نظام آموزشی را باید عوض کرد که در آن صورت نیاز به تغییرات در نظام حاکم بر رابطه و اختلاف بین شهر و روستاست و در نتیجه نظام آموزشی یکدست در سطح مملکت بوجود خواهد آمد، و یا باید در چارچوب نظام موجود، آموزش را بهبود بخشید تا در آن راستا آموزشی خاص برای روستا و روستاییان بوجود آید که ضمن اینکه عده‌ای از روستاییان را برای ادامه فعالیت در روستا تربیت خواهد کرد و از مهاجرت بی رویه آنها جلوگیری خواهد نمود، به عده‌ای دیگر این اجازه را بدهد تا پلکان آموزش‌های تخصصی را طی کرده و خود را برای ارائه خدمات بهتر روستایی و یا حتی شهری آماده سازد. بحث در راه حل اول زمان و مکانی دیگر می‌طلبد.

در رابطه با راه حل دوم باید روستاییان در روستاها بر اساس امکانات برابر با شهریان، آموزش‌های عملی - نظری سازگار با زندگی روستایی را فراگیرند، به طوری که دانش آموز پس از اتمام دوره تحصیلی خود در روستا، اگر مایل به ادامه تحصیل نباشد، بتواند از دانش خود در سطح روستا بازدهی مفید بگیرد. به عبارت دیگر، تحصیل دانش، عامل تسهیل کننده مهاجرت او نشود. ضمن فراگیری دانش‌های عملی متج از زندگی کشاورزی، دامپروری، صنایع و خدمات روستایی، باید دانش‌های پایه را هم فراگیرد تا در صورت تمایل به ادامه تحصیل از همقطاران خود در شهرها عقب نباشد. فراگیری دانش پایه، باعث می‌گردد که مسیر برای کسب تخصص‌ها باز باشد، به شرطی که برابری در توزیع امکانات و کادر آموزشی بین شهر و روستا حاکم باشد. نیروی انسانی لازم برای آموزش روستاییان باید از خود روستاها تأمین گردد و عمدتاً ساکن روستاها باشند. آنگاه که نظام آموزشی روستایی همچون دوان نسبت به محیط اجتماعی - اقتصادی بیگانه نباشد، مسلماً شاگردان نسبت به تحصیل علم بیگانه نخواهند بود و این موضوع می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در بازدارندگی روستاییان از مهاجرت گردد.

# فصل نهم

## طب سنتی

### مقدمه

به گواهی تاریخ، مردم ما برای طبابت و مداوای بیماریهای خویش، همیشه دست به دامان طبیعت شده‌اند. نتیجتاً گیاهان دارویی به عنوان مادهٔ حیاتبخش، پیوندی عمیق و ناگسستی بین مردم و طبیعت برقرار کرده است، که بعید می‌نماید تا سالها و نسلهای آینده این پیوند از هم بگسلد. زیرا در موارد بسیاری، در زمانی که بیماری زیاد حاد و مسأله‌ساز نشده، به وسیلهٔ داروهای گیاهی به مداوای آن پرداخته‌اند و به نتایج سودمندی نیز رسیده‌اند.

بنا به کشفی که در سال ۱۳۴۲ در ایران شده است، در یکی از گورهای باستانی، آثاری از گیاهان دارویی به دست آمده که نشان می‌دهد، مردم ایران باستان در حدود ۶۰ هزار سال پیش، از گیاهان استفاده می‌کرده‌اند.<sup>۱</sup>

امروزه به دلایلی عده‌ای سعی در مخدوش کردن و باطل شمردن «طب قدیم» دارند و گیاه درمانی را به عنوان دکانداری عده‌ای عطار ناوارد مطرح می‌کنند. طب کشور ما چه قبل از اسلام و چه بعد از آن مدیون دانشمندان و طبیبانی است که چون ستاره بر تارک تاریخ پزشکی جهان می‌درخشند. کتابهای ابن سینا، محمد زکریای رازی و جرجانی تا دو قرن قبل در دانشگاههای اروپا به عنوان دستاوردهای تاریخی علم پزشکی تدریس می‌شده است. بنابراین نباید به طب

قدیم با نظری تنگ نگر است و آن را کهنه و خرافی دانست. امروزه بسیاری از نظریه‌های طبیبان قدیم مبنی بر سازگاری بیشتر بدن با داروهای گیاهی، نسبت به داروهای شیمیایی به ثبوت رسیده است. در کشورهای پیشرفته جهان برای مداوای بیماریهای کودکان اغلب از داروهای گیاهی استفاده می‌کنند، و با برپایی کنگره‌ها و سمپوزیومهای گیاه درمانی به ارزش و اهمیت مواد مؤثره گیاهان دارویی بیشتر واقف می‌گردند. در این فصل برآنیم که ابتدا شمه‌ای از فلسفه طب قدیم را به رشته تحریر در آوریم و سپس گیاهان دارویی، داروهای گیاهی و طبابت عامیانه مردم دوان را در حد بضاعت معرفی و مطرح نماییم.

### فلسفه طب قدیم

در میان مردم دوان «مزاج» اولین اصل از اصول کلی طب محسوب می‌شود. مزاج در انسان سالم باید در حد اعتدال باشد. سردی و گرمی در انسان سبب بیماری می‌شود. مداوای بیماری همیشه با شناختن مزاج بیمار و تجویز داروهایی با مزاج مخالف انجام می‌شود، تا با ایجاد تعادل مزاجی در بیمار او را مداوا کنند.

فلاسفه طب قدیم معتقد بودند که کره زمین از چهار عنصر آب، خاک، آتش و هوا تشکیل شده است. و هر کدام را به صورت زیر تعریف کرده‌اند.

**خاک:** جسمی است ساده، ثابت و ساکن و دارای سنگینی مطلق که به لحاظ سرشت طبیعی خود همواره به سوی مرکز خویش گرایش دارد.

**آب:** جسمی است ساده و روان و دارای سنگینی زیاد. سرشت آن طوری است که خاک را در برگرفته و همواره به سوی مرکز آن در حرکت است.

**هوا:** جسمی است ساده و دارای سبکی زیاد. بالاتر از آب قرار دارد و همواره به هر سوی در حرکت است.

**آتش:** جسمی است ساده و روشن و دارای سبکی مطلق که بالاتر از همه عناصر دیگر قرار

دارد، و همواره در جهت عکس مرکز خویش در حرکت است.<sup>۱</sup>  
 غیر از مشخصات مذکور، عناصر چهارگانه دارای صفاتی هستند که در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند. خاک = سرد و خشک؛ آب = سرد و تر؛ هوا = گرم و تر؛ و آتش = گرم و خشک.

### اخلاط چهارگانه

در طب قدیم چون اعتقاد بر این است که بشر از مایع نطفه‌دار به وجود آمده است، به همین دلیل دارای صفات عناصر تشکیل‌دهنده بدن خود هست. اخلاط چهارگانه بدن انسان عبارتند از:  
 ۱ - سوسودا: ماده‌ای است سیاه رنگ که در جگر تولید می‌شود و جایگاه اصلی آن در طحال است. طبعش چون خاک سرد و خشک است و به دو بخش طبیعی و غیرطبیعی تقسیم می‌شود.  
 ۲ - بلغم: مایعی است که در معده تولید می‌شود و جایگاه معینی ندارد. طبعش چون آب سرد و تر است.

۳ - خون: مایعی است سرخ رنگ. جایگاه آن کبد است و در تمام سطح بدن پخش است. دارای طبعی گرم و مرطوب است.

۴ - صفرا: مایعی است زرد رنگ که در جگر تولید می‌شود و جایگاه اصلی آن کیسه صفراست. طبعش چون آتش گرم و خشک است.

در طب قدیم صفات اخلاط را «مزاجه» گفته‌اند که جمع «مزاج» است و مزاج مهمترین اصل از اصول طب قدیم است. طبق تعریف قدما «مزاج نتیجه کیفیتی است که از فعل و انفعال قوای فاعله، یعنی حرارت و برودت (گرمی و سردی) و قوای منفعله یعنی رطوبت و بیوست (تری و خشکی) حاصل می‌گردد.»<sup>۲</sup>

به طور خلاصه مزاج عبارت است از خصلت جسمی و روانی خاص افراد.

مزاج در طب سنتی دوان دارای دو صورت ساده گرم و سرد است و مزاج مرکب وجود ندارد. سردی و گرمی در مقدار، دارای عناوین دیگری نیز هست. مثلاً اگر سردی ملایم و به اعتدال نزدیک باشد، با عنوان خنکی (xonek-i) مطرح می‌شود و چنانچه گرمی از حد معمول بگذرد با

- تیش (tiš = آتش) مقایسه می‌شود. غیر از مزاج سردی و گرمی مزاج دیگری نیز وجود دارد که آن را «معتدل» می‌گویند و این مزاج حد وسط سردی و گرمی است.
- در طب قدیم ایران مزاج را به سه صورت و نه نوع تقسیم کرده‌اند.
- ۱ - صورت ساده یا مفرد مثل سرد، گرم، تر و خشک.
  - ۲ - صورت مرکب مثل سردی و خشکی، سردی و تری، گرمی و خشکی، گرمی و تری.
  - ۳ - صورت سوم مثل مزاج معتدل.

### غلبهٔ اخلاط

زمانی که یکی از اخلاط بر دیگر اخلاط غلبه کند، بیماری پیش می‌آید. برای ایجاد تعادل مزاج در انسان «درمان به ضد» باید نمود. ابن سینا در کتاب قانون در این مورد نوشته است:

«برای شناسایی دارو باید حتماً بیماری را شناخت. اگر نوع بیماری مکشوف شد، دارویی را باید انتخاب کرد که کیفیتش مخالف کیفیت بیماری باشد. بیماری باید به وسیلهٔ ضد آن دفع گردد. و تندرستی را باید به وسیلهٔ همانند و مسازش نگهداری نمود.»<sup>۱</sup>

برای روشن شدن مطلب فوق از کتاب من لایحضر الطیب فهرستی از داروهایی که برای دفع غلبهٔ اخلاط به کار می‌رود در زیر به طور خلاصه می‌آوریم.

چنانچه سودا غلبه کند، لعاب اسفرزه، عرق بید، تخم خیار، دانهٔ قدومه، خاکشیر، عرق تمشک، عرق بهارنارنج، دم کردهٔ بیخ گل بنفشه و... هر دارو یا غذایی که اثر مُسهلی دفع سودا از بدن داشته باشد، باید خورد.

در صورتی که بلغم غلبه کند، چون دارای مزاج سرد و تر می‌باشد، خوردن زیرهٔ سبز، دم کردهٔ تخم شوید، پودنه، ریشه شیرین بیان و جوشاندهٔ مرزنگوش، آویشن شیرازی و مسهل‌های دفع‌کنندهٔ بلغم و هر آنچه که دارای مزاج گرم و خشک باشد توصیه شده است.

اگر خون غلبه کند، چون دارای مزاج گرم و تر است، باید با داروهایی با مزاج سرد و خشک مثل آب انار، آب زرشک، آب هندوانه و دم کردهٔ برگ زیتون، تخم خرفه و داروهای دیگر به



معالجه پرداخت.

و بالاخره چنانچه صفرا غلبه کند، چون دارای مزاج گرم و خشک است، باید با داروهای سرد و تر مثل آب کاسنی، آب پرتقال، آب لیموشیرین، آب غوره، لیمو عمانی و گل سرخ به مداوای آن پرداخت.

### گیاهان دارویی

در روستای دوان تعدادی گیاه دارویی مورد مصرف دارد که جزو رویدنیهای منطقه به خصوص کوههای اطراف دوان است، و بعضی جزو رویدنیهای منطقه نیست، اما در طب سنتی روستا مورد مصرف دارد. در این قسمت گیاهانی را که جزو رویدنیهای روستاست مورد بررسی قرار خواهیم داد. و در مورد هر يك سه نکته را مطرح خواهیم ساخت:

۱- گیاهشناسی ۲- مزاج ۳- خواص درمانی گیاه.

نکته قابل توجه این است که برای صحت و سقم استفاده این گیاهان در روستا، از نوشته‌های طبیبان قدیم و از کتب گیاهشناسی امروز سود خواهیم بُرد.

#### اروك (arook)

گیاهشناسی: گیاهی است از خانواده بومادران که در اطراف روستای دوان به وفور می‌روید. دارای برگهای ساده و کشیده و کرکدار است. گل‌های آن چتری و به رنگ زرد است.

مزاج: اروك دارای مزاج سرد است.

خواص درمانی: این گیاه به تنهایی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. بلکه در مخلوطهایی مثل پکمه (pakma) (ر - ك داروهای گیاهی) که داروی دردهای گوارشی از جمله هیزه (heyza) و تریشه (teriša) است و همچنین مخلوط دیگری (ر - ك داروهای گیاهی مخلوط شماره ۱) برای رفع ناراحتی‌های سودایی به مصرف می‌رسد.

#### الپه (alpa)

گیاهشناسی: گیاهی است علفی و چند ساله، که در اطراف روستای دوان به صورت خودرو می‌روید. دارای برگهایی شبیه به برگ بومادران است. رنگ آن سبز کدر و گل‌های آن سفید مایل به زرد است.

مزاج: الپه دارای مزاج خنك است.

خواص درمانی: الپه یکی از داروهای مفیدی است که در رفع ناراحتی‌های معده مورد مصرف قرار می‌گیرد. خیسانده آن را صاف می‌کنند و ناشتا می‌نوشند. این مایع برای تقویت رحم نیز بکار می‌رود. علاوه بر اینها جهت رفع باد صفرا و سودا نیز مورد مصرف دارد. این گیاه در مخلوط پکمه و چار ارق (čâr araq) برای رفع هیزه و تریشه نیز استفاده می‌شود.

انجره (anjera) = گزنه سفید (Urtica)

گیاه‌شناسی: گیاهی است که اغلب در نقاط سایه‌دار کوه‌های دوان مثل غارها و شکافها می‌روید، دارای برگهای بیضوی دندانه‌دار و متقابل است. بر ساقه و برگهای آن کرکهای سفیدی می‌روید که به دلیل وجود نوعی اسید در آن، ایجاد سوزش در پوست می‌کند. گل‌های آن سنبله‌ای است.

دکتر زرگری نوشته است: «دارای دو نوع گل نر و ماده می‌باشد که به صورت سنبله در پای برگها ظاهر می‌شود. گل‌های نر آن دارای ۴ پرچم و گل‌های ماده آن دارای یک تخمدان یک برچه‌ای است. کاسه گل آن دارای ۴ کاسبرگ و میوه آن فندقه است.<sup>۱</sup>»

مزاج: انجره گرم است. پزشکان قدیم مثل ابن سینا، علی بن الهروی در کتاب الانبیه عن الحقایق الادویه، و عقیلی خراسانی در مخزن الادویه آن را گرم و خشک و تخم آن را از برگ و ساقه اش خشک تر دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

خواص درمانی: دانه‌های انجره در مخلوط چار تخمک (čâr toxmak) (ر - ك داروهای گیاهی) برای رفع سرفه‌های خشک ناشی از سرماخوردگی کهنه و پاک شدن سینه و ریه از خلط به مصرف می‌رسد. چون نرم‌کننده است، در مخلوط گذاخته انجره (gođâxte-y anjera) (ر - ك داروی گیاهی) برای رفع ورم ناشی از فشارهای زایمان به زانو می‌خورانند. این دارو در ازدیاد شیر مادر نقش اساسی دارد. در کتاب قانون آمده است. «گزنه را اگر در آب جو بپزند و بخورند سینه را تنقیه کند و خلط‌های آن را خارج سازد. حیض را به راه می‌اندازد و راه رحم را باز می‌کند. خوردن آن ورم رحم را فرو می‌نشاند.»<sup>۳</sup> دکتر زرگری نیز نوشته است: تا حدی مخدر می‌باشد و در

(۲) ابن سینا، ۱۳۶۲: ۷۱ و عقیلی خراسانی، ۱۳۵۵: ۱۷۶

(۱) زرگری ۱۳۴۱: ۴۰

(۳) ابن سینا، ۱۳۶۲: ۷۱.

رفع بیماریهای تنفسی و طحال و عدم دفع ادرار و ترشحات زنانگی به مصرف می‌رسد.<sup>۱</sup>

**انگدو (angedu) = انگدان، انجدان (Ferula levis)**

گیاه‌شناسی: انجدان گیاهی است که به طور خودرو در کوههای دوان می‌روید. در کتاب روش شناسایی گیاهان آمده است: «انجدان گیاهی است از تیره جعفری و از راسته چتریان به ارتفاع دو تا دو نیم متر. دارای ریشه‌ای ضخیم و محتوی شیره شیرین رنگی (به نام انگوزه) با بویی قوی است. برگهای آن پوشیده از تار و گلکهای آن به رنگ زرد می‌باشد.<sup>۲</sup>

مزاج: انگدو و همچنان انگزه (anqeza) گرم است. در کتاب قانون، گرم و خشک آمده است.<sup>۳</sup> خواص درمانی: اعضاء این گیاه بخصوص برگ آن برای نفع شکم کودکان بسیار مفید است. برگ آن را در مخلوط خرده (xarda) به همین منظور به مصرف می‌رسانند. انگزه نیز برای تقویت معده و برای رفع هیزه بزرگسالان نافع است. این شیره هیچگاه برای کودکان توصیه نمی‌شود.

ابن سینا نوشته است: «انگدان شکم را قبوضت دهد. دیر هضم است و هاضم. معده را گرمی می‌بخشد و تقویت می‌کند و اشتها را بر می‌انگیزد»<sup>۴</sup> و در مورد انگزه که آن را حلتیت نوشته است، آمده: «بادشکن است و به خاطر گدازندگی که دارد، باد را از بین می‌برد»<sup>۵</sup>

**اوشمک پین (ōšomek-e Pe:n) = آویشن شیرازی (zataria muttiflora)**

گیاه‌شناسی: گیاهی است علفی. دارای برگهای بیضوی، ساده و متقابل، با بویی معطر و مطبوع. گلکهای آن کوچک و به صورت خوشه‌ای و به رنگ سفید است. ساقه آن چهارگوش است و به ساقه نعنا می‌ماند. اوشمک در کوههای دوان می‌روید.

مزاج اوشمک دارای مزاج سرد است.

خواص درمانی: به دلیل سردی مزاجش، رفع تشنگی می‌کند. آب صاف کرده جوشانده آن را بعد از سرد شدن به زائو می‌دهند تا رفع تشنگی کند. مدر است و حیض را بیرون می‌ریزد. به همین دلیل برای زائو داروی مفیدی است که باقیمانده خون رحم را خارج سازد. این گیاه خاصیت بند آوردن خون را نیز دارد. در گذشته پودر آن را در محل حجامت می‌پاشیدند تا خون آن بند آید.

(۲) زرگری، ۱۳۴۱: ۴۰۹

(۴) همانجا

(۱) زرگری، ۱۳۴۷: ۶۴۲

(۳) ابن سینا، ۱۳۶۲: ۱۵۲

(۵) همانجا

برای نفخ نیز مفید است و اسهال و دلپیچه و استفراغ را از بین می‌برد. بخار سودا در آدم‌های سودایی مزاج را از بین می‌برد.

اوشمک کِرک (ôšomek-e kerek) = آویشن باریک (*ziziphora clinopodioides*)

گیاه‌شناسی: این گیاه را که اوشمک کُیی (ôšomek-e ko-yi) نیز می‌گویند، گیاهی علفی و چند ساله است. دارای برگ‌های بیضوی باریک و دراز و گل‌های ریز به رنگ زرد. میوه‌اش شبیه به زیره است. نسبت به اوشمک پَرِن از عطر کمتری برخوردار است. بوته‌های آن به طور خودرو در کوه‌های دوان می‌روید.

مزاج: اوشمک کِرک دارای مزاج گرم است.

خواص درمانی: به دلیل داشتن مزاج گرم برای گرم مزاجان توصیه نمی‌شود. همراه با سربرنجاسک به صورت جوشانده برای رفع درد معده استفاده می‌شود. در مخلوط پکمه نیز برای رفع هیزه و تریشه به مصرف می‌رسد.

بارهنک (*bârehang*) = بارهنک (*Plantago major*)

گیاه‌شناسی: گیاهی است علفی و خودرو که در کنار جویبارها و نقاط مرطوب روستای دوان می‌روید. دارای برگ‌های پهن و کشیده و منفرد است و به صورت منفرد در یقه گیاه ظاهر می‌شود. ساقه‌های گل آن راست و از میان برگ‌ها خارج می‌شود. گل‌های آن به صورت سنبله در انتهای ساقه است.

دکتر زرگری بارهنک را از تیره بارهنک *Plantagina ceae* معرفی کرده است.<sup>۱</sup>

مزاج: بارهنک گرم است. اما دانه‌های پوست‌کنده آن دارای مزاج «خنک» است. ابن‌سینا

نوشته است: «مزاج بارهنک سرد و خشک است».<sup>۲</sup>

خواص درمانی: در طب سنتی دوان، به دلیل لعابدار بودن دانه‌های بارهنک آن را به جهت رفع سرماخوردگی، سرفه‌های کهنه شده به مصرف می‌رسانند. همچنین دم کرده آن را همراه با مغز بادام شیرین و روغن حیوانی در روز پنجم بعد از زایمان به زانو می‌خورانند. این دارو رحم را لطافت می‌بخشد. بارهنک را در مخلوط خرده نیز برای رفع ناراحتی‌های گوارشی نوزاد به

مصرف می‌رسانند. در صورتی که آن را پوست کنند، و چند بار از آب یخ عبور دهند طبعش خنک می‌شود و برای رفع اسهال کودکان مفید واقع می‌شود. در مخلوط بوبوک (bubuvek) نیز برای سرباز کردن دُمَل به کار می‌رود.

ابوریحان در صیدنه آورده است: «بارهنگ... آماسها را که ماده او گرم باشد مفید است. و چون بر سوختگی آتش ضماد کرده شود منفعت کند. ریش روده را منفعت کند و این منافع در تخم او زیادت است از نبات او و اسهال صفاوی را دافع است.»<sup>۱</sup>  
 این سینا نیز گفته است: «تخم بارهنگ را بخورند از قرحه روده و اسهال مراره‌ای مفید است و خونریزی بواسیر را بند آورد.»<sup>۲</sup>

و بالاخره دکتر زرگری نوشته است: «اگر برگ تازه بارهنگ به مدت چند ساعت در آب جوشیده قرار گرفته باشد، سپس قطعات آنها را بر روی زخمهای باز گذارند، نه تنها زخمها را از خطر آلودگی حفظ می‌کند بلکه به سرعت التیام می‌دهد.»<sup>۳</sup>

#### باوینه (bāvina) = بابونه (Maatricaria chamomilla)

گیاه‌شناسی: بابونه به طور خودرو در زمینهای بایر روستای دوان به وفور می‌روید. نوعی از آن که به باوینه‌گا (bāvine-y gâ) موسوم است دارای گل‌های درشت‌تر و برگ‌های بزرگتر است و هیچگونه خاصیت طبی ندارد. بابونه طبی مورد استفاده مردم دوان دارای گل‌های چند پر شبیه به گل مینا با گلبرگهای سفید و کاپیتول زرد است. برگ‌های آن بسیار بریده و سبز شفاف است.  
 دکتر گل‌گلاب آن را از تیره مرکبان و دسته آفتابیها دانسته<sup>۴</sup> و دکتر زرگری نوشته است: «در هر کاپیتول دو نوع گل، یکی زبانه‌ای به رنگ سفید و دیگری لوله‌ای به رنگ زرد دیده می‌شود.»<sup>۵</sup>  
 مزاج: بابونه گرم است و گرمی آن را به آتش تشبیه می‌کنند. در کتب موجود طب قدیمی نیز آن را گرم و خشک دانسته‌اند.

خواص درمانی: گل بابونه به دلیل گرمی مزاجش مدر و معرق است. ضد تب معمولی ناشی از سرماخوردگی است. دم کرده آن را برای قطع تب می‌نوشند. اگر با نعنا دم کنند داروی مناسبی

(۱) ابوریحان بیرونی، ۱۳۵۸ جلد دوم: ۶۲۸  
 (۲) ابن سینا، ۱۳۶۲: ۲۰۳  
 (۳) زرگری، ۱۳۴۷: ۷۱۲  
 (۴) گل‌گلاب، ۱۳۳۹: ۲۸۷  
 (۵) زرگری، ۱۳۴۷: ۲۰۲

برای رفع معده درد است عرق آن درد گوش را فرو می‌نشانند. گل آن را در شاف مراره (šâf-e marâra) (ر-ك داروهای گیاهی) برای رفع غَرّ (qar) (کدورت چشم) به کار می‌برند. از آن برای رفع درد مفاصل و استخوان نیز استفاده می‌کنند.

ابن سینا در مورد بابونه نوشته است: «خوردن آن در مداوای ورم سخت داخلی مفید است. همه اندام عصبی را تقویت کند. برای رفع خستگی از هر دارویی سودمندتر است. در تبهای هر روزه روغن بابونه بر تن مالند و تبهای کهنه آن را اواخر تب می‌خورند مفید است.»<sup>۱</sup> در کتاب داروخانه‌ای در کوه و دشت آمده است: «جالینوس گفته است: فرزندگان قدیم مصر آن را به خورشید نسبت می‌دادند چه قادر بود تب را ببرد و گرمزدگی را بزداید.»<sup>۲</sup> دکتر زرگری آن را معرق، مدر، مقوی معده، باد شکن و اشتها آور و صفرا بر دانسته است.<sup>۳</sup>

بَدَّوَرْد (bedavord) = باد آورد (carduus (cnicus) (bedavord)

گیاه‌شناسی: گیاهی است علفی و یکساله، ساقه آن صاف و شفاف است و بر سرگلهای آن چهار قطعه خار وجود دارد طعم آن بسیار تلخ است. پرچمهای آن به صورت توده‌ای پرز مانند در میان کاسبرگ قرار دارد و شبیه به گل کنگر خر است. این گیاه در زمینهای اطراف دوان به وفور می‌روید.

مزاج: بادآور گرم است.

خواص درمانی: کوبیده ساقه و برگ سبز آن برای رفع خارش بدن که در اثر سودا عارض شده باشد مفید است. آب آن را بر محل خارش می‌مالند. برای رفع سردرد سر را با جوشانده آن می‌شویند. با حنا نیز مخلوط می‌کنند و روی سر قرار می‌دهند. این گیاه تب بر است و تبهای معمولی را فرو می‌نشانند. به دلیل تلخی زیاد آن به صورت نوشیدنی استفاده نمی‌شود.

بری (bari) = بلوط (Quercus sessilifolia (persica)

گیاه‌شناسی: بلوط در کوههای دوان به صورت جنگل وسیعی پوشش گیاهی عمده آن منطقه را تشکیل می‌دهد. بر روی مغز میوه بلوط پوستی نازک قرار دارد که به هنگام تازگی میوه سفید ولی بعد از خشک شدن به رنگ قهوه‌ای تیره در می‌آید. این پوست را جفت (jaft) می‌نامند.

در فرهنگ فارسی معین آمده است: «بلوط درختی است از تیره بلوطها (پیاله‌داران). این درخت دارای ۲ نوع گل است که معمولاً در انتهای ساقه‌ها قرار می‌گیرند. گل‌های نر به صورت سنبله و گل‌های ماده به صورت دسته‌های سه تایی در بغل برگ‌ها قرار می‌گیرند. میوه آن فندقه، بیضوی و کشیده است. و در پیاله‌ای تا نیمه آن را فرا گرفته است.»<sup>۱</sup>

مزاج: همه اعضا گیاه بلوط سرد است. طیبیان قدیم بالاتفاق آن را سرد و خشک دانسته‌اند. خواص درمانی: از میان اعضا مختلف این گیاه جفت و در مواقعی برگ آن مورد مصرف طبی دارد. آب صاف کرده خیسانده آن به جهت رفع اسهال استفاده می‌شود. همچنین برای رفع ناراحتی‌های معده از جمله هیزه و تریشه و دلپیچه بسیار نافع است. از جوشانده جفت برای تخلیه معده از غذای مسموم استفاده می‌کنند.

اگر برگ بلوط را در سایه خشک کنند و آن را بکوبند و بر زخم سوختگی پاشند و به اصطلاح آن را خشکبند (xošk band) کنند، مفید واقع می‌شود. همچنین از دود برگ آن برای پایین آمدن تب استفاده می‌کنند.

دکتر زرگری در مورد خواص بلوط مطالب جالبی را عنوان کرده است: «پوست درخت بلوط (a. Robur) اثر غیر قابل انکار در رفع خون‌رویها دارد. به علاوه ترشحات ادرار را افزایش می‌دهد و به طور خفیف ضد عفونی می‌کند. پوست بلوط (جفت) پادزهر خوبی برای مسمومیت‌های ناشی از الکل‌وئیدها و فلزات است.»<sup>۲</sup> ابن سینا نوشته است: «برگ بلوط را اگر بسوزانند و آن را بر زخم نهند یا بر زخم پاشند در به هم آوردن زخمها بسیار مفید است.»

بنک = (banek) بن - بنه (Pistacia terebinthus)

گیاه‌شناسی: درختی است متوسط که به وفور در کوه‌های دوان می‌روید. دارای برگ‌های مرکب شفاف، میوه‌اش خوشه‌ای به رنگ قرمز می‌باشد. که بعد از رسیدن، به سبز شفاف و چروکیده تغییر رنگ می‌دهد. اگر پوست ساقه آن را شکاف دهند ماده‌ای که اصطلاحاً آن را پرِس (bere:s) می‌نامند از آن تراوش می‌کند. این ماده بسیار چسبنده است و در اثر مجاورت با هوا به مرور می‌بندد. پرِس دارای بویی تند و معطر و مطبوع است.

دکتر زرگری نوشته شده است: «گیاهی است از تیره پسته (Anccar diaceae) به ارتفاع دو تا سه متر. دارای برگهای مرکب ۴ تا ۱۱ برگچه‌ای.»<sup>۱</sup>

او در جای دیگر راجع به شیرۀ این گیاه نوشته است: «از این گیاه به حالت طبیعی یا بر اثر شکاف اولثو رزینی به خارج ترشح می‌گردد، که (tere bentine de chio) نامیده می‌شود. رنگ آن خاکستری مایل به سبز یا زرد مایل به سبز است. بوی آن ملایم و مطبوع و طعمش کمی تلخ است.»<sup>۲</sup>

مزاج: پر-س دارای مزاج گرم است. عقیلی خراسانی آن را گرم و خشک دانسته است.<sup>۳</sup> خواص درمانی: خاکستر چوب بنک را در آب حل می‌کنند و بعد از صاف کردن برای رفع هیزه و تریشه می‌نوشند. مخلوط پر-س با سوخته شاخ بزکوهی و زردچوبه، برای از بین رفتن آثار کوفتگی (ضرب دیدگی) بدن مفید است. مخلوط پر-س و گنج (gondz) (ر-ك زازی) و صابون بلوگردی (بروجردی) و قند را که به صورت مرهم آماده کرده باشند جهت سرباز کردن دُمَل به مصرف می‌رسانند. (ر-ك مخلوط شماره ۶ - داروهای گیاهی).

ابن سینا در کتاب قانون نوشته است: «شیره‌اش در مرهم‌هایی که برای پاک کردن زخمها و خشک گردانیدن ریم و چرك مفید است به کار می‌برند.»<sup>۴</sup>

**بنگو (bangu) = اسفرزه (Plantago Psyllium)**

گیاه‌شناسی: گیاهی است از خانواده بارهنگک، دارای ارتفاعی حدود ۱۰ - ۳۰ سانتی‌متر، منتهی به گل‌های مجتمع به صورت سنبله فشرده است. این گیاه جزو رویدنیهای منطقه دوان است که در باغهای انار به طور خودرو می‌روید. مزاج: بنگو سرد است.

خواص درمانی: دانه‌های بنگو به دلیل داشتن لعاب و خاصیت نرم‌کنندگی، در داروهای که برای رفع سرماخوردگی، سرفه‌های خشک و سینه درد است به کار می‌رود.

در مخلوط بنگو داغک (bangu dāqek) (ر-ك داروهای گیاهی) و همچنین در مخلوط چار تخمک به منظور رفع سرفه‌های خشک و نرم شدن سینه به مصرف می‌رسد. در مخلوط بوبووک به

(۲) زرگری، ۱۳۵۵: ۳۶۰

(۱) زرگری، ۱۳۴۱: ۲۶۶

(۴) ابن‌سینا، ۱۳۶۲: ۱۶۲

(۳) عقیلی خراسانی، ۱۳۵۵



صورت ضماد (مرهم) برای سرباز کردن و بیرون کشیدن چرکهای دُمل استفاده می‌شود. اگر کوبیده دانه‌های بنگو را در پای دندان یا محل خالی شده دندان بریزند درد دندان تسکین می‌یابد. در قانون ابن سینا آمده است: «در سرکه بهم زنند در مداوای ورمهای گرم، مورچه، جمره، باد سرخ و به ویژه دُملهای بناگوش و دملهای بلغمی بسیار مؤثر است.»<sup>۱</sup>

### بی‌ماذرون (bimâdarun)

گیاه‌شناسی: بی‌ماذرون گیاهی است علفی و چند ساله با ساقه راست چوبی، که در زمینهای بایر و اطراف جاده‌های کوهستانی دوان می‌روید. دارای برگهای کوچک بیضوی دراز است. گلهای آن زرد رنگ است و به صورت مجتمع در انتهای ساقه ظاهر می‌شود. دارای بویی معطر و مطبوع و مزه تلخ است.

مزاج: دارای مزاج سرد است.

خواص درمانی: بی‌ماذرون یکی از داروهای مفیدی است که در رفع ناراحتی‌های مختلف گوارشی مورد مصرف قرار می‌گیرد. این گیاه آرام‌بخش سلسله اعصاب در دردهای عصبی است. بی‌ماذرون را برای رفع خشکی پوست صورت و زخمهای سودایی پوست در مخلوطی (ر-ک مخلوط شماره ۱ داروهای گیاهی) به مصرف می‌رسانند. در چهار ارق (چهار عرق) نیز برای رفع درد معده و مسمومیت‌های غذایی استفاده می‌شود.

### پُدُم (pođom) = پونه (پودنه) (Mentha pulegium)

گیاه‌شناسی: گیاهی است از تیره نعنائیان. که به صورت خودرو در کنار چشمه‌های دوان می‌روید. برگهای آن کرکدار، دنداندار و متقابل است. گلهای آن سنبله است و در انتهای ساقه نمایان می‌شود. رنگ گل‌های آن بنفش و بوی آن تند و مطبوع است.

مزاج: پُدُم گرم است. ابوریحان و عقیلی خراسانی آن را گرم و خشک معرفی کرده‌اند.<sup>۲</sup> خواص درمانی: دم کرده برگ پونه برای اسهال «شکم رویش» (šekam ravišt) و دلپچه‌های شدید مفید است. دل بهم خوردگی را که از سرری باشد از بین می‌برد. استفراغ را بند می‌آورد. خاصیت تشنج‌زدایی آن قوی است و آن را به عنوان مسکن دردهای عصبی بکار